

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

دوره جدید. شماره ۹. تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۴۱-۲۲۵ Vol 5. No 9. 2020, p 225-241

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸)

## شروع به جرم (در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)

سید محمدصادق محمدی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

در حقوق کیفری ایران جرم نیازمند عمل لازم و عنصر ذهنی است و بر همین اساس جرایم دو دسته‌اند. گروه اول جرایم تام هستند و آن زمان‌بست که فرد وسوسه شده قصد ارتکاب جرم را پیشه کرده تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد مقدمات شروع به عمل مجرمانه را تدارک و پس از انجام عملیات نتیجتاً موفق به کسب نتیجه و به سرانجام رساندن قصد خود می‌شود. دیگری جرم ناقص است و آن اینکه به علتی از علل قصد به نتیجه نرسیده و در مرحله‌ای از مسیر مجرمانه متوقف می‌شود. علت توقف نیز ممکن است داخلی و درونی یا معنوی است (جرم عقیم) و یا مادی و بیرونی (شروع به جرم). نویسنده درصدد است تا محدوده شروع به جرم و شمول و مصادیق آن را در قوانین موضوعه ایران بررسی نماید.

**واژه‌های کلیدی:** شروع به جرم، قصد مجرمانه، عملیات اجرایی جرم، جرم ناقص، جرم تام

## مقدمه

شروع به معنای آغاز کردن و دست به کار شدن است، (بدایت) نیز به همین معنی است. واژه‌ی «beginning» در انگلیسی و «Commencement» در فرانسه مترادف کلمه شروع به شمار می‌آیند. عمل مقدماتی، در لغت به معنای «امری که باید مقدم بر امر دیگری پدید آید» و «کار نخستین» است و معنای اصطلاحی آن، اجرای اعمال و تهیه مقدماتی به منظور ارتکاب جرم است که دور از معنای لغوی آن نیست. نویسندگان عرب به جای عمل مقدماتی، «عمل تحضیری» یا «الأعمال التحضيریه» را به کار برده‌اند. اصطلاح انگلیسی این عبارت «Preparatory act» و مترادف فرانسوی آن «Acte paratoire epr» است. (جندی، عبدالملک، الموسوعه الجنائیه، جلد چهارم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی ص ۴۰۹) شروع به اجراء یعنی اقدام برای به فعلیت درآوردن و به منصفه ظهور رسانیدن مقصود و کاری که مورد نظر است. در اصطلاح حقوق جزاء، منظور آن است که بزهدکار به اعمال اجرایی جرم مورد نظر اقدام و مبادرت کند. اصطلاح «البدء فی التنفيذ» در ادبیات حقوقی عرب و در حقوق فرانسه اصطلاح «Dexecution Commencement» به معنای عمل اجرایی یا شروع به اجرا است. (جندی، عبدالملک، پیشین ۴۱۲، فرهنگ مجمع اللغات، ص ۱۷۵. شروع به جرم یعنی اقدام و دست یازیدن به عملی که در صورت وقوع، به موجب قانون جرم به شمار می‌آید، ولی در نتیجه مداخله عامل غیرارادی بلااثر مانده نتیجه حاصل نمی‌شود. اصطلاح شروع به جرم به مفهومی که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، در واقع، یک مفهوم مرکب از نخستین معنای لغوی واژه‌ی «شرع» و کلمه جرم به معنای عملی که به موجب قانون قابل مجازات است را در برمی‌گیرد. در انگلیسی واژه‌ی «Attempt» و در فرانسه «Tentative» مترادف شروع به جرم به حساب می‌آیند. «Tentative de crime» در فرانسه به معنای شروع به جرم است و مترادف آن در انگلیسی «Attemped felony» مفید همین معنای شروع به جرم اصطلاحی است. به طور معمول واژه‌ی (محاوله) در زبان عربی و «Tentative» در زبان فرانسه و «Attempt» در انگلیسی به تنهایی و بدون مضاف‌الیه مورد استفاده قرار می‌گیرند، در حالی که در ادبیات حقوقی ما واژه «شروع» به تنهایی وافی در بیان مفهوم شروع به جرم نیست. مجازات در لغت به معنای «سزای بدی را دادن و کیفر» است. عقوبت و عقاب نیز که در لغت عرب به معنای «به دنبال آمدن» و «جانشین شدن» آمده است، به این اعتبار که به دنبال ارتکاب جرم درباره مجرم اعمال می‌گردد، با واژه مجازات مترادف است. اصطلاح «عقب مجرما» به معنای مجرمی را تعقیب کرد یا «اللیل، یعقب النهار» - night flows day - شب روز را تعقیب می‌کند ریشه در همین معنای لغوی دارد. در انگلیسی «Punishment» یا «Penalty» و در حقوق جزای فرانسه «enalite» و «paine» مترادف عقوبت و مجازات بوده و مفید معنایی هستند که در ادبیات حقوقی ما کیفر و مجازات آن را تداعی می‌کند.

### شروع به جرم در حقوق کیفری ایران

شروع به اجرای جرم، اعمالی متصل و موصل به جرم است و بدون ابهام قصد مجرمانه [مرتکب] را آشکار می‌کند. شروع به جرم یک نهاد جدید در حوزه حقوق کیفری است که در یکی، دو قرن اخیر شکل منسجم به خود گرفته است. در گذشته، صرف فعل جرم را اهمیت می‌دادند؛ به عبارتی جرم یا به وقوع می‌پیوست و یا نه؛ در صورت اخیر مجازاتی هم در میان نبود چون اصلاً جرمی به وقوع نپیوسته بود. رفته رفته یک مفهوم جدید شکل گرفت و آن نظم عمومی است که ملاکی برای تعیین جرایم و مجازات‌ها است. امروزه هر فعلی که بتواند در نظم عمومی اختلال ایجاد کند، از لحاظ اصول و قواعد حاکم بر حقوق کیفری جرم خواهد بود و تعقیب و مجازات هم از نتایج آن فعل برهم زنده نظم عمومی است.

برای تعریف هر نهاد حقوقی، ابتدا به قانون مراجعه می‌شود؛ در قانون مجازات اسلامی و به طور کلی هیچ یک از قوانین کیفری گذشته، تعریفی از شروع به جرم به عمل نیامده و مقنن تنها به تشریح مسأله شروع به جرم بسنده کرده است. در همین جهت از شروع به قتل عمد نیز تعریفی دقیق و مشخص در قوانین مدون صورت نگرفته و لذا تعریفی مناسب از شروع به قتل عمدی، تا اندازه‌ای دشوار به نظر می‌رسد. ماده‌ی ۶۱۳ کتاب پنجم ق.م.ا در مورد شروع به قتل عمد مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی شروع به قتل عمد کند ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد». مثلاً شخص (الف) به فنجان قهوه شخص (ب) مقداری سم کشنده به قصد قتل ریخته است و پس از این که (ب) فنجان قهوه را سر کشید به واسطه‌ی انجام عملیات سریع پزشکی از کشته شدن وی جلوگیری می‌شود و (ب) زنده می‌ماند.

برخی از اساتید حقوق کیفری، شروع به جرم را تعریف کرده‌اند. در این راستا دکتر ایرج گلدوزیان شروع به جرم را این گونه تعریف کرده‌اند؛ که «شروع به جرم عبارت است از رفتاری که به منظور عملی کردن قصد مجرمانه انجام شده، لکن به جهت مانع خارجی به تحصیل نتیجه مورد نظر منتهی نشده است.» مرحوم دکتر رضا نوربها هم اینگونه تعریف کرده‌اند: «عبور از قصد مجرمانه و عملیات مقدماتی و ورود در مرحله اجرایی جرم را، به نحوی که اعمال انجام شده متصل به جرم باشد، شروع به جرم گویند؛ مشروط بر آن که بزه به طور کامل واقع نشود و زیر عنوان جرم تام قرار نگیرد.»

در بیشتر موارد، تحصیل نتیجه زیان‌آور یکی از ارکان تحقق جرم است، وقتی نتیجه مزبور به دست نیاید، می‌توان گفت جرم، در مرحله شروع به جرم بوده است، نهایت آن که، شروع به جرم وقتی مستوجب کیفر است که برای مرتکب آن ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده باشد. هم اکنون که قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، مقنن در کتاب اول (کلیات) در بخش سوم آن فصلی را (اول) به شروع به جرم اختصاص داده است. ماده‌ی ۱۲۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در این رابطه مقرر داشته است: «هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن کند، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند»، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار.

ب) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج.

پ) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است، به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش.

**تبصره ۵:** هر گاه رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آن بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.

تصمیم به ارتكاب جرم را نمی‌توان قابل مجازات و کیفر دانست زیرا این مورد یک امر درونی است و از درون فرد قاصد جاری می‌شود و چون فکر درونی خود را عملی نکرده است، پس نمی‌توان وی را به صرف فکر کردن به انجام جرمی قابل مجازات دانست. از عناصر ۳ گانه عمومی جرایم وجود عنصر معنوی برای تحقق شروع به جرم ضروری است. لذا در جرایم غیر عمدی و جرایم ناشی از تخلف از نظامات دولتی فرض شروع به جرم منتهی است. ماده‌ی ۱۲۳ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر می‌دارد: «مجرد قصد ارتكاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد.» که می‌توان گفت به نوعی تکرار تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۴۱ سابق می‌باشد، مثلاً کسی که برای ارتكاب سرقت نردبان می‌سازد آیا این عمل را همیشه می‌توان مقدمه جرم دانست؟ جواب منفی است.

همیشه به این مهم باید توجه داشت که اعمال مقدماتی را باید از اعمال شروع به اجرا جدا کرد، چون که اعمال مقدماتی معمولاً قابل مجازات نیستند. مثلاً خریداری قمه برای کشتن فردی با وقوع قتل وی فاصله زمانی دارد و به دلیل این فاصله است که نمی‌شود او را مجازات کرد. یا مثلاً الف برای ارتكاب قتل یک کلت کمری تهیه کرده است به هیچ وجه امکان این وجود ندارد که او را به مجازات شروع به جرم قتل محکوم کنیم، چون هنوز عملی از وی سر نزده است ولی در این خصوص می‌توان او را به جرم حمل سلاح غیرمجاز مجازات کرد، و یا در تهیه و ساخت کلید برای ارتكاب جرم می‌توان در قالب جرم مانع بررسی کرد.

در خصوص این که آیا انصراف ارادی هم باعث می‌شود عمل در قالب شروع به جرم قرار بگیرد یا خیر ماده‌ی ۱۲۴ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «هرگاه کسی شروع به جرمی کند و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به جرم تعقیب نمی‌شود، لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می‌شود.» که این ماده نشان از آن دارد که انصراف ارادی باعث می‌شود عمل شروع به جرم نباشد.

### سابقه تقنینی شروع به جرم:

ماده ۴۱ مصوبه ۱۳۷۰/۰۵/۰۸ بیان می‌دارد که: هر کس قصد ارتکاب جرم می‌کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می‌شود.

ماده ۲۰ مصوب ۱۳۵۲/۰۳/۰۷ هر کس قصد ارتکاب جنایتی کرده و شروع به اجرای آن نماید ولی به واسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مداخلت نداشته قصدش معلق یا بی‌اثر بماند و جنایت منظور واقع نشود به ترتیب زیر محکوم خواهد شد.

در تبصره ذیل ماده مذکور آمده است در صورتیکه اعمال انجام یافته ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته باشد ولی به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیر ممکن باشد عمل در حکم شروع به جرم محسوب می‌شود.

مطابق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات شروع به جرم به شرح زیر است:

**الف:** در جرایمی که مجازات قانونی آنها دائم یا حبس تعزیری درجه ۱ تا ۳ است به حبس تعزیری درجه چهار

**ب:** در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه ۵

**پ:** در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه ۵ است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش.

**نکته:** در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ شروع به جرم موضوعیت ندارد (محمدی نویسی، حسن، حاشیه‌ای بر کلیات قانون مجازات اسلامی، قمریال مطبوعات دینی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴)

### تقنین مرتبط:

۱- ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد و جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد.

الف: مجرد قصد مجرمانی اصولاً جرم محسوب نمی‌شود مگر در موارد مصرف حق قانونی مانند مواد ۶۱۰ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات. در واقع در چنین مواردی قانون‌گذار تصمیم به ارتکاب جرم را از این حیث قابل مجازات شناخته است که این تصمیم به شکلی در رفتار بدهکار نمود پیدا کرده است. و گرنه مجرد تصمیم که برای واقعیت بخشیدن به آن هیچ تلاش به عمل نیامده قابل مجازات نیست (اردبیلی)

ب: عملیات مقدماتی گاهی عملی که به خودی خود از نظر اجتماعی خون ساعت و بار منفی یا مثبت ارزشی ۱۱ ارزشی ندارد ولی می‌تواند موجب تسهیل ارتکاب یک جرم شود جرم شناخته می‌شود تا زمینه جرم اصلی از میان برداشته شود این گونه جرایم، جرایم مانع یا بازدارنده گفته می‌شود عملیات مقدماتی اگر خود عنوان خاص مجرمانه نداشته باشند قابل تغییر نیستند اعمال مقدماتی ممکن است خود تحت عناوین مورد مجازات قرار گیرند مانند حمل اسلحه غیرمجاز یا عنوان معاونت پیدا کنند مانند تهیه وسایل برای مباشر جرم و یا به عنوان کیفیت مشاهده جرم اصلی باشند مانند کارمند بودن در مورد کلاهبرداری. (نوربها / ۲۲۰) شروع به جرم در جرایم اطفال براساس آنجا گفته شد در آمد حاصل بیان می‌نماید که شروع به جرم یک اصل کلی ثابت در تمام جرایم نیست بلکه در برخی جرایم متصور است شروع به جرم صرفاً در جرایمی متصور است که تابع قصد باشد (جرایم عمدی) و در جرایمی که فاعل فاقد قصد است مصداق ندارد. (جرایم غیرعمدشروع به جرم خود عمل مستقلی است که در صورت ثبوت نیازمند وقوع بزه تمام نیست و تا همان اندازه که واقع شده و اثبات گردد قابل مجازات است قانون‌گذار ایران در خصوص شروع‌کننده به ارتکاب جرم با ارفاق برخورد می‌نماید. که لازم بد تا به نحو شدیدتری جرم انگاری شود تا زمینه ارتکاب جرم از بین برود و فرد در همان نقطه آغازین ارتکاب متوقف گردد.

### سایر جرائم ناقص و تعامل آنها با شروع به جرم

#### جرم عقیم:

**تعریف:** جرم وقتی عقیم است که مجرم به واسطه عدم مهارت یا بی‌کفایتی و بی‌فکری خود یا یک علت اتفاقی غیرقابل پیش‌بینی نتیجه‌ای از عمل خویش نمی‌گیرد. در این مورد مقتضیاتی که به وجود آمده‌اند مستقل از اراده فاعل هستند. مثلاً بزهکاری به قصد کشتن دیگری تیری را رها کرده ولی به دلیل عدم مهارت یا بی‌کفایتی یا علت اتفاقی غیرقابل پیش‌بینی به خطا رفته و به هدف اصابت نکرده است در اینجا فرد مجرم با وجود تهیه مقدمات و تیراندازی و انجام کلیه عملیات در مسیر مجرمانه نتوانسته به نتیجه نهایی که همان کشتن فرد مورد نظر است دست یابد به این عمل جرم عقیم گویند. (نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱، ج ۱، ص ۱۷۶)

#### تفاوت جرم عقیم با شروع به جرم:

در جرم عقیم مسیر مجرمانه تا انتها می‌شود می‌توان قصد مجرمانه را به طور روشن ناز کرد در حالی که در شروع به جرم در یقینی بودن قصد مجرمانه تردید وجود دارد (نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، دادآفرین، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۶۴-۲۶۵). بنابراین اجرای قواعد شروع به جرم در مورد جرم عقیم کاملاً قابل توجیه است و تفاوت مذکور مانع آن نیست که جرم عقیم که جرم عقیم از مصادیق تعریف

قانون گذار از شروع به جرم باشد. به بیان روشن تر جرم عقیم می تواند مصداق شروع به جرم باشد. (محمدی نویسی، حسن، هرمنوتیک شروع به جرم در حقوق کیفری ایران، بهار ۱۳۹۹، شماره ۵۹)

### جرم محال:

**تعریف:** جرم محال جرمی است که مرتکب یا هر شخص دیگری نتواند در شرایطی که وجود دارد را انجام دهد (زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶، چ ۲، ج ۱، ص ۱۷۶)

در جرم محال گاهی انجام جرم موضوعاً منتفی است مانند سعی در کشتن کسی که قبلاً مرده است یا سعی در سقط جنین زنی که اصلاً حامله نبوده است. و گاهی وسایلی که برای ارتکاب جرم به کار می رود ممکن است طوری باشد که انجام آن ذاتاً غیرممکن باشد (گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، چ دهم، ج اول، ص ۳۹۶) مطابق تبصره ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی (جرم محال)، هرگاه رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته باشد در حکم شروع به جرم بوده و قابل مجازات است. (محمدی نویسی، حسن، حاشیه‌ای بر کلیات قانون مجازات اسلامی، قمریال مطبوعات دینی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴)

### مراحل ارتکاب جرم:

مراحل ارتکاب جرم عبارتند از:

- ۱- مرحله قصد (ر. ک توضیحات ذیل ماده ۱۲۳ ق م ا)
- ۲- مرحله تهیه مقدمات (ر. ک توضیحات ماده ۱۲۳ ق م ا)
- ۳- مرحله شروع به اجرا
- ۴- مرحله اجرای جرم یا جرم تام

### قصد:

همواره مکانیسم ارتکاب عمل مجرمانه از اندیشه که همان میل به ارتکاب عمل مجرمانه است، شروع و به نتیجه مطلوب خود که همان بزه و هدف غایی است منتهی می گردد. سرآغاز ارتکاب عمل مجرمانه قصد است و پس از آن تلاش در مقام موتور محرکه در خدمت قصد در آمده و موجبات وقوع بزه را فراهم می آورد. تعابیر گوناگونی از قصد مجرمانه شده که جامعترین تعریف ذوق و اشتیاق فرد به هر دلیل جهت ارتکاب جرم است. قصد چنانچه به منصفه ظهور نرسد قابل مجازات نبوده و تنها در جایی قابل مجازات است که عینیت یابد.

**اقسام قصد:**

قصد یا عام است یا خاص. در قصد عام فرد اگر چه قصد ارتکاب جرم دارد اما انگیزه‌ای چاشنی آن نیست بلکه صرفاً به دنبال ارضای میولات نفسانی بنا را بر ارتکاب جرم می‌گذارد. در نقطه مقابل حالتی است که فرد با زمینه چینی و تدارک و طراحی نقشه شروع به ارتکاب جرمی خاص می‌نماید.

شروع به جرم بستگی به وجود قصد ارتکاب جرم دارد یعنی برای تحقق شروع لازم است شخصی به قصد ارتکاب جرم خاص دست به عملیات اجرایی بزند و به عللی که خارج از اراده است قصدش معلق یا بی اثر بماند بنابراین در جرایم غیر عمدی به طور منطقی طرز شروع به جرم منتفی است (صانعی، پرویز، ۱۳۸۲، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو / ۳۵۰: محسنی، مرتضی، ۱۳۸۲، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱ چاپ دوم، تهران، گنج دانش) / (۱۶۵ / ۲) البته برخی از حقوقدانان کیفی مسئله را قابل تامل دانسته‌اند. (نورپها/۲۱۶ و ۲۲۳) ذکر این نکته لازم است که شروع به جرم مستلزم قصد صریح مجرمانه می‌باشد. لذا قصد تبعی مطلق یا نسبی کفایت نمی‌کند. برای مثال چنانچه الف به قصد ایراد جرح، ضربه‌ای به سر به وارد نماید، چنانچه منجر به قطع می‌شود، قتل عمدی محسوب می‌شود (شق ب م ۲۹۰ ق م ا) اگر بر فرض مثال ب جاخالی داده و ضربه به دست برخورد نماید و منجر به شکستگی گردد الف تنها به خاطر ایراد جرح (هاشمه موضوع مواد ۴۰۱ و ۷۰۹ ق م ا) به مجازات مندرج در ماده ۶۱۴ ق م ا محکوم می‌گردد و اتهام شروع به قتل عمدی به خاطر عدم وجود قصد صریح حقیقت منتفی است (میر محمد صادقی / ح.ج.ا. ۹۲/۱).

**جایگاه عنصر روانی در شروع به جرم:**

برخلاف عنصر مادی شروع به جرم که ناقص است عنصر روانی آن کامل و تماماً شبیه جرم تام است. به عبارت دیگر در شروع به جرم شخص باید قصد انجام جرم تام را داشته باشد مثلاً در جرم قتل عمدی مرتکب باید قصد انجام جرم و سلب حیات مجنی علیه را داشته باشد ولی به علت وجود موانع خارجی منجر به این نتیجه نشود در تعریفی که از شروع به جرم در قوانین ارائه شده است عبارت «هرکس قصد ارتکاب جرمی کند» آورده شده است با توجه به این عبارت، شروع به جرم فقط در جرایم عمدی متصور است و در جرایم غیر عمد به علت فقدان این شرط محقق نمی‌شود (گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چ چهاردهم، ۱۳۸۶ ص ۱۶۸) زیرا در جرایم غیر عمدی قصدی وجود ندارد تا این قصد به واسطه عوامل خارجی از اراده مرتکب معلق و بی اثر بماند. بر همین اساس قصد یا همان عنصر روانی بنیادی‌ترین رکن تحقق یا عدم تحقق شروع به جرم است. دکتر صانعی در خصوص عنصر روانی چنین می‌نویسد برای آنکه عنصر روانی تحقق پیدا کند وجود دو عامل ضرورت دارد یکی اراده



ارتکاب و دیگری قصد مجرمانه یا خطای جزایی (صانعی پرویز حقوق جزای عمومی انتشارات گنج دانش تهران چاپ پنجم ۱۳۷۲ جلد اول صفحه ۳۲۰).

دکتر گلدوزیان درباره عنصر روانی بر این نظر است که علاوه بر عنصر قانونی مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم شامل وقوع عمل در خارج، عمل مزبور باید از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید بین عمل و شخص عامل رابطه روانی (رابطه ارادی) وجود داشته باشد که آن را عنصر اخلاقی و روانی و معنوی می‌نامند (گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۱۷۸).

### مرحله اساسی تهیه مقدمات:

پس از اینکه فرد قصد به ارتکاب جرم نمود لازم است تا مقدمات گذر از قصد و رسیدن به مطلوب را فراهم نماید. در حقوق کیفری ایران تلاش نخستین را در مواردی و نه به طور مطلق، شروع به ارتکاب جرم می‌نامند که در برخی موارد به عنوان یک جرم انتسابی مستقل تعریف می‌شود و در آن فرد با قصد ارتکاب جرم، عملی را برای پیشبرد آن جرم انجام می‌دهد، اما در نهایت نتوانسته است به هدف منظور نائل آید. بنابراین، شروع به جرم می‌تواند متشکل از مراحل ذیل باشد: (۱) قصد ارتکاب جرم. (۲) اقدامی که گامی اساسی در جهت تکمیل جرم است و (۳) عدم انجام جرم و توقف در نقطه‌ای خاص از مکانیسم عمل مجرمانه است.

### شروع به جرم و عدم موفقیت:

اعمال اجرایی شروع به اجرا عنصر مادی جرم است. تظاهر قصد مجرمانه متمایز از آن می‌باشد. در این مرحله اگر انصراف برای مرتکب حاصل نشود او را از ادامه عمل باز ندارد جرم ناگزیر به وقوع می‌پیوندد (اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۲) / شرط دوم تحقق شروع به جرم آن است که به واسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مداخلت نداشته قصد مجرمانه معلق بماند یعنی مرتکب اعمال اجرایی بدون میل و اراده خود از ارتکاب جرم منصرف شده باشد (م ۱۲۴ ق م ا. صانعی، پرویز، ۱۳۸۲، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو: محسنی، مرتضی، ۱۳۸۲، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱ چاپ دوم، تهران، گنج دانش).

### امکان یا عدم امکان نتیجه:

امکان یا عدم امکان نتیجه هیچگاه شرط تحقق شروع به جرم نیست. به بیان دیگر هرگاه کسی قصد ارتکاب جرم می‌کند که محال است و به واسطه عامل خارج از اراده او اجرای جرم معلق بماند مرتکب شروع به جرم شده است. (اردبیلی، محمد علی ۱۳۸۰، حقوق جزای عمومی ج ۱، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان)

به نظر می‌رسد اطلاق این دیدگاه خالی از اشکال نباشد زیرا شروع به رفتاری شروع به جرم محسوب می‌شود که آن رفتار از سوی مقنن جرم انگاری شده باشد. مقنن در قانون مجازات اسلامی از میان اقسام جرم محال تنها جرم محال موضوعی نسبی را جرم انگاری نموده است و به تقسیم بندی محال مطلق و نسبی نظر نداشته و محال حکمی را نیز از وصف مجرمانه خارج ساخته است لذا شروع به آنها نیز شروع به جرم محسوب می‌شود (شمس ناتری، تقریرات حقوق جزای عمومی / دوره دکتری / میرمحمدصادقی / ح/ج/م/۷۷/۹۴-۹۳)

### وجود عامل خارج از اراده:

#### وجود عامل خارج از اراده

شرط دیگری که باید به آن توجه شود و مقنن در ماده ۱۲۲ با عبارت عامل خارج از اراده بر آن تاکید کرده است عامل خارج از اراده مرتکب است و منظور هر چیزی است که اراده فرد در آن نقشی نداشته باشد به دیگر سخن آنچه در اینجا محوریت دارد ارادی نبودن عامل است اعم از این که این عامل در بیرون و یک عامل انسانی مانند پلیس یا عوامل طبیعی مانند وزش باد شدید باشد یا مبنای درونی مانند عدم مهارت. در واقع بین ورود مانع خارج از اراده یا ورود مانع خارجی ارادی تفاوت است در ورود مانع خارج از اراده محوریت با عدم اراده مرتکب است و این اعم است از عامل انسانی یا طبیعی خارجی و یا عوامل غیرارادی داخلی اما در ورود مانع خارجی ارادی محوریت با عامل خارجی است که باید ارادی باشد و این بدان معناست که فقط باید شخص ثالثی مانع تحقق جرم تام شود هر چند برخی در بیان شروع به جرم صحبتی از این شرط نکرده‌اند. (السعید ۲۰۰۲، ص ۲۳۹) اما اگر منظور از ارکان شروع به جرم آن گام‌هایی است که مرتکب باید پیماید به رکن دانستن این شرط نیازی نیست زیرا این شرط از سوی مرتکب نباید محقق شود بلکه حالتی بیرون از اراده اوست. بنابراین در شمارش گام‌های او نباید لحاظ شود اما اگر منظور شرایط تحقق شروع به بزه است باید به وجود مانع خارج از اراده نیز به عنوان یکی از شرایط تحقق شروع به جرم اشاره کرد. (زراعت، عباس، حقوق جزا و سیاست جنایی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۴ و ۱۶۵)

### امکان یا عدم امکان تحقق شروع به جرم در جرایم ترک فعل:

برخی معتقدند شروع به جرم مستلزم ارتکاب فعل مادی است لذا در جرایم در مورد جرایم ایا انسان از دستور قانون سرپیچی می‌نماید و تکلیف قانونی را انجام می‌دهد و یا برعکس آن را انجام می‌دهد در هر صورت عنصر مادی این جرم همان ترک اعتیاد است و چون در ترک فعل شروعی وجود ندارد بنابراین در جرایم طرفه موجبی برای شروع به جرم نیست. (محسنی/۱۶۵/۲: اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی، ج ۱، ج ۲، تهران، بنیاد حقوقی میزان ۲۱۹) در مقابل گروهی دیگری از حقوقدانان معتقدند ترک فعل هم می‌تواند از مصادیق شروع جرم باشد برای مثال مامور راه آهن به قصد ایجاد تصادف بی حرکت

می ماند و چراغ خطر را روشن نمی کند مسلما ترک فعل او چنانچه با سایر شرایط تحقق شروع به جرم توأم باشد به عنوان شروع به جرم مجازات خواهد شد (صانعی، پرویز (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو/ ۳۶۰: نوبها، رضا، ۱۳۸۵، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ هفدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش/ ۲۲۳) به نظر می رسد دیدگاه اخیر با اصول حاکم بر حقوق کیفری سازگارتر می باشد مثال ذیل برای فهم بهتر مطلب رساتر است: فرض کنید مربی شنا با شخصی قراردادی مبنی بر آموزش شنا به فرزند بیمه نماید و در ضمن قرارداد حفظ حیات فرزند شرط شود. شخص فرزند خود را برای آموزش شنا به وی بسپارد و فرزند جهت آموزش شنا وارد آب شود و در معرض غرق شدن قرار بگیرد و مربی شنا با رویت وی و با قصد غرق شدن او هیچ اقدامی انجام ندهد (ترک فعل قراردادی) و در همین لحظه پدر فرزند وارد استخر شده و او را نجات دهد به نظر می رسد محکومیت مربی شنا به شروع به قتل عمدی بلاشکال است. (شمس ناتری/ تقریرات حقوق جزای عمومی/ دوره دکتری)

### شروع به جرم در جرایم مطلق:

در جرایم مطلق در صورتی که صدمه و خسارتی وارد نیامده باشد مرتکب عمل مجرمانه را مجازات می کند بسیاری از نویسندگان معتقدند که چون به محض تحقق عملیات اجرایی جرم کامل می گردد در جرایم مطلق شروع به جرم مصداقی ندارد: زیرا به مجرد انجام عملیات اجرایی جرم انجام یافته است بنابراین باید شروع به جرم را فقط در جرایم مقید مورد بررسی و مطالعه قرار داد الظاهر در جرایم مطلق حصول نتیجه مجرمان شرط تحقق جرم نیست شروع به جرم نباید در این جرایم همسرش شروع به جرم ممکن است برای مثال می توان تصور نمود که شخصی به قصد تشویق مردم به فساد و فحشا (شق ب م ۶۳۹ ق م ا ت) آن را به منزل خود دعوت می نماید و تمام مقدمات را نیز فراهم می کند و درست در همان لحظه که قصد شروع دارد معموری سر می رسند و او را دستگیر نمایند. نمی توان گفت که این مقدار عملیات فقط تهیه مقدمه و یا برعکس جرم کامل بوده است این مقدار عمل شروع به جرم است ایا در جرم قاچاق طلا می توان تصور نمود که شخصی مقداری طلا خریداری نموده و با قصد قاچاق از منزل خارج می شود تا آن را به متصدی حمل و نقل تسلیم نماید درست در همان موقع که قصد تحویل جنس قاچاق را دارد مامورین سر رسیده و او را دستگیر می نمایند این مقدار عمل را نیز نمی توان تهیه مقدمه ایا جرم انجام یافته است، بلکه شروع به جرم است (صانعی، پرویز (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو ۳۴۹-۳۵۰، محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). دوره حقوق جزای عمومی. پدیده مجرمانه، ج ۲، چ دوم، تهران، گنج دانش) (۱۶۷/۲) البته باید توجه داشت که زمان وقوع در همه جرایم مطلق به یک میزان نیست و شیوه ارتکاب در شکل گیری فرایند جرم موثر است. لذا در جرم مطلق ای مانند تهدید (م ۶۶۹ ق م ا ت) چون امکان دقیق تعیین زمان انصراف مرتکب از اقدام خود یا کیفیت عدم وقوع جرم به واسطه تاثیر عوامل

خارجی وجود ندارد به نظر می‌رسد شروع به جرم منتفی است بلعکس در ارتکاب جرم رشا (م ۵۹۲ ق م ا ت) چه جرمی است مطلق، افعال مادی عبارت است از دادن وجه یا سند پرداخت یا تسلیم مال به طور مستقیم یا غیرمستقیم اگر راشی قصد داشته باشد را برای انجام دادن امری که از وظایف کارمند دولت است در کشور نیز بگذارد و در این اثنا دستگیر شود شروع به جرم رشا تحقق یافته است. اگر از انجام این عمل کند عمل مجازاتی نخواهد داشت (اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۲، تهران، بنیاد حقوقی میزان/۲۲۹/۱)

### انصراف ارادی:

انصراف ناشی از اراده آزاد، در صورت انصراف ارادی شروع به جرم منتفی است و چنانچه اقدامات انجام شده جرم نباشد مرتکب قابل مجازات نخواهد بود به عبارت دیگر برای آنکه شروع به اجرا غیر قابل تغییر باشد ضروری است که انصراف ناشی از عمل ارادی مرتکب باشد. این کوشش درونی ناشی از اراده آزاد مجرم که وی را معافیت از مجازات می‌نماید. مرتکب باید به میل و اراده خود از تعقیب هدف مجرمانه پشیمان گشته و نشان دهد که شخصاً از وصول به هدف منصرف شده است. (محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). دوره حقوق جزای عمومی: کلیات حقوق جزا، ج ۱، چاپ دوم، تهران: گنج دانش) مقصود از انصراف ارادی آن است که مرتکب صرفاً به میل و اراده خود و بدون دخالت عامل خارجی از تکمیل عمل مجرمانه خودداری کند. اینکه داعی و علت روانی انصراف چه بوده از نظر مسئله مورد بحث بی تاثیر است یعنی اگر مرتکب عمل مجرمانه به خاطر احساس ترحم، احساس گناه، ترس جسمانی، ترس از مجازات و غیر آن، از تکمیل عمل مجرمانه کرده باشد، انصراف ارادی بوده، مجازات شروع به جرم در مورد او اجرا نخواهد شد. لیکن اگر انصراف وی نتیجه مانع خارجی باشد به هیچ وجه موثر در امر نبوده و چنین مرتکب‌ای مستحق مجازات است. (صانعی، پرویز (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو / ۳۴۶: محسنی، همان / ۱۸۴/۲: اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۲، تهران، بنیاد حقوقی میزان / ۲۲۴/۲۲۵) با این همه، تاثیر عوامل خارجی در توقف مرتکب ضرورتاً به معنی نفی خاصه ی اختیاری انصراف نیست. برای مثال اگر مداخله شخص ثالث به نحوی باشد که فاعل صرفاً به زشتی عمل خود متقاعد گردد بدون آنکه تحت اجبار قرار گرفته باشد و همین پند یا سرزنش موجب شود که فاعل اعمال اجرایی را به تعلیق درآورد قطعاً انصراف را باید ارادی تلقی کرد. (اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۲، تهران، بنیاد حقوقی میزان / ۲۲۵) بین انصراف ارادی و معلق ماندن قصد مجرم بر اثر موانع خارجی حالات بینابینی وجود دارد که از بعضی جهات شبیه به انصراف ارادی و از بعضی جهات شبیه به انصراف ناشی از اراده غیرآزاد است. برای مثال فرض نمایید که شخصی به هنگام سرقت صدایی می‌شنود و به خیال آنکه صاحب خانه بیدار شده است از انجام سرقت خودداری و فرار می‌نماید تصور کنید شخصی هنگام قتل دیگری از دور می‌بیند به تصور اینکه صاحب سایه از ماموران بوده وهم اکنون او

را دستگیر می نماید اسلحه را به زمین می گذارد و فرار می کند در هر دو این حالات چون شخص مرتکب به میل خود فرار نموده میتوان فرار وی را ناشی از انصراف ارادی دانست. ولی از آنجا که علت این فرار شنیدن صدا یا دیدن دیگری بوده می توان تصور نمود که چنین فراری بر اثر عوامل خارجی انجام گرفته و در نتیجه موانع خارجی موجبات انصراف را فراهم آورده است. حال باید دید که در برخورد با این قبیل مبارزه و حاکم به چه ترتیب باید رفتار نمایند: (شمس ناتری / محمدابراهیم / قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی / حمیدرضا کلانتری / ابراهیم زارع / زینب ریاضت) حقوقدانان کیفری در این مورد باید دیگر موافق نیستند برخی از آنان معتقدند که چون در هر حال شخص متهم به میل خود فرار نموده باید او را از مجازات معاف نمود. (نوربها / ۲۲۴) عده ای دیگر از فرضیه درون ذاتی پیروی می نمایند، معتقدند که در این قبیل موارد مرتکب به میل خود فرار نموده بلکه علت آن همان نشنیدن صدا و یا دیدن سایه بوده که عملی است خارج از اراده مرتکب، بنابراین چون مرتکب قصد مجرمانه خود را همراه با اعمال خارجی به منصفه اجرا گذاشته و فقط در اثر عوامل خارجی به هدف نرسیده است باید تعقیب و مجازات شود. (گلدوزیان/ ۱۷۱) اما همانطور که برخی از آنان گفته اند، این مسئله ای موضوعی و حل آن به عهده قاضی است که باید در هر مورد خاص بررسی کند و تشخیص دهد که آیا عدم تکمیل عمل مجرمانه معلول تاثیر عوامل خارجی بوده یا مرتکب راساً انصراف حاصل کرده است در موارد شبهه نیز باید توقف اعمال اجرایی را حمل بر تصمیم ارادی فاعل کرد و به نفع او نظر داد (صانعی / ۳۴۷-۳۴۶: محسنی، مرتضی، ۱۳۸۲، دوره حقوق جزای عمومی: پدیده جنایی، ج ۲-چدوم، تهران: گنج دانش. / ۱۸۵-۱۸۴: اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۰، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان ۲۲۵)

### زمان انصراف:

برای آنکه با جمع سایر شرایط انصراف ارادی باعث رفع مسئولیت اعمال اجرایی شود لازم است قبل از تکمیل عملیات اجرایی، جرم صورت گرفته باشد اگر بعد از تکمیل عملیات اجرایی جرم و قبل از حصول نتیجه احساس ندامت و پشیمانی روی دهد و مجرم درصدد ترمیم و جبران عمل خود برآید این حالت روانی تاثیری بر ماهیت عمل مجرمانه ندارد و تنها ممکن است باعث تخفیف مجازات گردد. (صانعی / ۳۴۷: اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۰، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان ۲۲۵)

از طرف دیگر وقتی می گوئیم انصراف ارادی چنانچه قبل از تکمیل عملیات اجرایی صورت گیرد باعث رفع مسئولیت ما می شود مقصود آن است که مرتکب را به خاطر شروع به جرم مورد نظر مجازات نمی کنند، ولی چنانچه همان میزان از اعمال اجرایی که صورت گرفته از نظر قانونی جرم باشد مرتکب به خاطر آن مجازات خواهد شد فرزند شخصی بدون داشتن جواز اسلحه و در منزل نگاه می دارد سپس فصل قتل کسی را می کند ولی قبل از آن که عملیات اجرایی و به نتیجه برسد انصراف حاصل می نماید در این حال او را به خاطر شروع به جرم محاکمه و مجازات نمی کند ولی ضمناً عملی برخلاف مقررات مربوط به

خرید و نگهداری اسلحه انجام داده که به خاطر آن مجازات می‌شود (صانعی، پرویز (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو/۳۴۷)

### وجوه افتراق انصراف و ندامت:

مهمترین فرق بین انصراف و ندامت مربوط به زمان آنها است. انصراف مربوط به زمانی است که عملیات اجرایی تکمیل نشده و لذا مقدم بر تکمیل عملیات اجرایی می‌باشد. در حالیکه ندامت مربوط به زمان پس از تکمیل عملیات اجرایی است که شخص مرتکب شده و سپس از عمل خود پشیمان گردیده است فلذا موخر بر تکمیل عملیات اجرایی می‌باشد. دیگران دو به عکس‌العمل اجتماع در مقابل آنها مربوط است در مورد انصراف جامعه از خود عکس‌العمل کیفری نشان داده و مرتکب را معافیت از مجازات می‌داند در صورتی که در مورد پشیمانی عملیات اجرایی جرم اتمام یافته است محاکم چاره‌ای جز محکومیت ندارند البته با توجه به اینکه یکی از جهات تخفیف مجازات کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم اقدام جدی برای جبران زیان ناشی از آن (شق ج م ۳۷ ق م ا) می‌باشد از بین بردن اثرات جرم و یا تخفیف آن توام است این پشیمانی و ندامت نمی‌تواند جزء کیفیات مخففه دانست محاکمی که در این موارد حق تخفیف مجازات را دارند نمی‌توانند به این علت متهم را تبرئه نمایند (محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). دوره حقوق جزای عمومی. پدیده مجرمانه، ج ۲، ج دوم، تهران، گنج دانش)

### جرم تام مستلزم مجازات:

جرم تام اگر مجرم از مراحل مختلف جرم عبور کند و یا با عبور از برخی از این مراحل درخواست خود که انجام جرم دست یابد و فعل یا ترک فعل مجرمانه بی‌بهره نماند می‌گویند جرم به طور کامل انجام شده و بزهکار استحقاق کیفر قانونی را در حد جرم انجام یافته دارد.

در جرایمی چون جرایم ناشی از خطا و یا جرایم غیر عمدی نیز بی‌آنکه نیازی به عبور از مراحل مختلف به شکلی که غالباً در جرایم انجام عمدی متصور است باشد با کیفر باید به طور کامل و منطبق با قانون از نظر مدت مورد حکم قرار گیرد زیرا دادگاه حق دارد در مقام اعمال مجازات. از کیفیات تخفیف دهنده و یا علت‌های تشدیدکننده استفاده کند و به مجازاتی متناسب با جرم یا جرایم انجام یافته حکم دهد. اما بزه می‌توان اصطلاح جرم تام را به کار برد البته استحقاق مجازات به این معنی نیست که کیفر باید به طور کامل و منطبق با قانون از نظر مدت مورد حکم قرار گیرد زیرا دادگاه حق دارد در مقام اعمال مجازات. از کیفیات تخفیف دهنده و یا علت‌های تشدیدکننده استفاده کند و به مجازاتی متناسب با جرم یا جرایم انجام یافته حکم دهد. همچنین پس از صدور حکم نیز ممکن است مجازات با بنیادهایی چون تعلیق آزادی مشروط و عفو معلق گردد نیمه راه متوقف شود یا زوال پیدا کند و مرگ و جنون محکوم موجب شود که مجازات مورد حکم به مرحله اجرا در نیاید به هر حال می‌توان جرم تام یا کامل را از جهات مختلف مورد

بررسی قرار داد بی آنکه در این بررسی شروع به جرم یا عملیات مقدماتی نادیده گرفته شود برای سهولت مطلب می‌توان جرم تام را از لحاظ عنصر روانی به عمدی، در حکم عمدی، شبه عمدی، غیر عمدی و خطایی تقسیم کرد که قبلا به آنها اشاره کرده‌ایم از لحاظ عنصر مادی میتوان جرم را به فوری، مستمر و به عادت تفکیک نمود. در پاره‌ای موارد به دلیل حصول یا عدم حصول نتیجه می‌توان جرم را به مطلق و مقید و به لحاظ بساطت و پیچیدگی به ساده و مرکب تقسیم کرد در برخی موارد نیز جرم به لحاظ ماهیت به جرم عمومی و جرم سیاسی و گاه با در نظر گرفتن شخصیت خاص مرتکب به جرایم عمومی و نظامی تفکیک می‌شود بدیهی است زمینه‌های این تقسیم بندی حسب سلیقه‌ها متفاوت است و همه اینها در حقیقت بیشتر نتیجه توجه به عناصر جرم و استنتاج از آنها در جهت تفکیک می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

در نظام تقنین ایران شروع به جرم مدتها قبل و در سال ۱۳۷۰ متولد گردید اما ابتدا فقط مختص اقداماتی بود که در همان شروع و اتفاقا همان اقدامات هم جرم باشند (عنصر مادی) محدود بود اما در سال ۱۳۹۲ در نگاهی نوگرایانه متفاوتی شروع به جرم را به اندیشه مجرمانه (عنصر معنوی) ارجاع داده است بر همین اساس کسانی که قصد مجرمانه شان به جهات خارج از اراده معلق بماند نیز مجازات خواهند شد. بنظر می‌رسد عمده مقصود مقنن از چنین شیوه جرم انگاری هدف قرار دادن اندیشه مجرمانه بوده است. اندیشه‌ای که اگر آن عامل خارج از اراده نبود چه بسا اینکه جرم بطور کامل اتفاق می‌افتاد. اقدام به ارتکاب جرم عملی است که منجر به ارتکاب جرم می‌شود. این چیزی فراتر از آماده‌سازی صرف است، اما از ارتکاب واقعی جرم مورد نظر کمتر است. قصد ارتکاب جرم همان تلاش برای ارتکاب جرم نیست، یک ویژگی ذهنی است که متضمن یک هدف است که عینیت نیافته، در حالی که شروع به جرم به معنای تلاش برای انجام آن هدف یا قصد اجرای آن است. تلاشی فراتر از برنامه ریزی اولیه است و شامل حرکت به سمت ارتکاب جرم است و عدم توفیق بزهدکار در تکمیل فرآیند ارتکاب جرم تنها عاملی است که خارج از حدود اراده او بوده است. براساس آنچه سابقا نقل شد مسیر مجرمانه بدوا بصورت اندیشه مجرمانه بروز و با تقویت قصد فرد از نقطه آغازین حرکت کرده و در صدد عینیت بخشی به اندیشه مزبور بر می‌آید. اهمیت این سبک جرم انگاری از این جهت است که سیستم واکنش در این عرصه گام برداشته تا حدالامکان مرتکب را از ارتکاب جرم و به سرانجام رساندن آن منصرف نماید اما ایراد عمده‌ای که به این موضوع وارد است اینکه چرا قانون‌گذار صرفا شروع به جرم را در برخی جرایم پذیرفته است؟ می‌توان گفت علت جرم انگاری برخی جرایم و گذر از کنار برخی براساس درجه‌بندی بوده و صرفا جرایم مهم را در بر گرفته است جرایمی همچون شروع به اختلاس، شروع به کلاهبرداری، شروع به ارتشاء، شروع به سرقت مشدد، شروع به آدم ربایی، شروع به قتل عمدی، شروع به خرابکاری در تاسیسات عمومی، شروع

به حرق عمارت، شروع به جعل و تزویر و شروع به قاچاق همگی از جمله جرایم مهمی است که قانونگذار شروع به عملیات اجرایی آنها را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تحولی عظیم نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۰، به عنوان شروع به جرم، جرم انگاری نموده است. قانونگذار با این شیوه تقنین بنا داشته تا اهمیت و سنگینی بار چنین جرایم جنایتکارانه‌ای برای اجتماع را تبیین و میزان دغدغه خود را برای حفظ نظم و انضباط اجتماعی را هویدا سازد چرا که تنها جرایمی که از این مخمصه جان به در برده‌اند جرایم درجه شش تا هشت بوده‌اند. ایضا شروع به جرم در جرایم غیرعمدی که فاقد قصد مجرمانه و اغلب از روی سهل انگاری و عدم مهارت ارتکاب می‌یابند جرم انگاری نشده است. دلیل دیگر دغدغه قانونگذار در جرم انگاری شروع به جرم تفاوت در میزان مجازات شروع، در جرایم مختلف است چرا که مجازات شروع به جرم از نوع درجه ۱ با مجازات شروع به جرم از نوع درجه ۳ متفاوت و این نشان‌دهنده این موضوع است که قانونگذار با دقت خاصی اقدام به جرم انگاری آن نموده است. بنابراین متهم برای شروع به قتل، مجازات سنگین تری نسبت به شروع به سرقت خواهد داشت. نهایتاً اینکه تعیین هدف یک فرد اغلب کلید تامین محکومیت او است بنابراین، توجه به این نکته مهم است که برای شخصی که قصد آسیب رساندن جزئی داشته، منظور نمودن شروع به قتل ممکن نیست و این امر بر دشواری اثبات شروع به جرم می‌افزاید. در بعضی از جرایم، اقدامات یا اعمالی که برای شروع به یک جرم انجام می‌شود باید فراتر از "آمادگی صرف" برای جرم باشد. مثلاً: در مواردی، متهم مجبور بوده تا قدم‌های مادی را در راستای ارتکاب قتل بردارد، صرف نظر از هرگونه برنامه‌ریزی از قبل، با این حال باید مجازات و محکومیت را بر اساس طیف وسیعتری از اقدامات (مادی) انجام شده نسبت به جرم تام لحاظ نمایند به عنوان مثال: داشتن برنامه‌ای دقیق، مدون و در اختیار داشتن سلاحی که احتمالاً برای ارتکاب جرم تهیه شده باشد. کشف قصد در جرمی همچون شروع به جرم بر پیچیدگی‌های احراز آن می‌افزاید که بر مسئولیت قضات دادگاه‌ها بیش از پیش می‌افزاید.



### فہرست منابع و مآخذ

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۲، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی، ج ۲، چ ۳، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- زراعت، عباس، (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران، ققنوس
- زراعت، عباس (۱۳۸۴). حقوق جزای عمومی تطبیقی، تطبیق در قانون جزای فرانسه، اردن، لبنان و ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فکر سازان.
- زراعت، عباس، ۱۳۸۸، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس
- صناعی، پرویز (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، طرح نو
- شمس ناتری، محمدابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، ج اول، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- نوربها، رضا، زمینہ حقوق جزای عمومی، تهران، دادآفرین، ۱۳۷۹، ص ۲۴۶.
- محمدی نویسی، حسن، حاشیہ ای بر کلیات قانون مجازات اسلامی، قم ریال مطبوعات دینی، ۱۳۹۵.
- گلدوزیان، ایرج، بایستہ های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چ سیزدہم و چہار دہم، ۱۳۸۶
- محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). دورہ حقوق جزای عمومی. کلیات حقوق جزا، ج ۱، چ دوم، تهران، گنج دانش.
- محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). دورہ حقوق جزای عمومی. پدیدہ مجرمانہ، ج ۲، چ دوم، تهران، گنج دانش.
- محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). دورہ حقوق جزای عمومی. مسئولیت کیفری، ج ۳، چ دوم، تهران، گنج دانش.
- نوربها، رضا، ۱۳۸۵، زمینہ حقوق جزای عمومی، چاپ ہفدہم، تهران، کتابخانہ گنج دانش.
- نوربها، رضا، ۱۳۸۳، نگاہی بہ قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- جندی، عبدالملک، الموسوعہ الجنائیہ، جلد چہارم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی ص ۴۰۹.

— Henry Campbell Black. M. P. Blak's law Dictionary. Fifth edition, West publishing CO. 1983. p. 65. David M. walker, The oxford companion to law New york, oxford. umirersity press, 1980. p. 92.

